



نمادگرایی فرهنگ در حیوانات و عناصر طبیعت در لایایی‌های کردی و روسی

مریم مرادی^۱

(مقاله پژوهشی)

تاریخ دریافت: ۲۳ آذر ۱۴۰۳، تاریخ پذیرش: ۷ مرداد ۱۴۰۴، صص. ۱۷۰-۱۵۳

DOI: [10.22034/jokl.2025.142737.1414](https://doi.org/10.22034/jokl.2025.142737.1414)

کورتیه

چکیده

لایایی‌ها بخشی از فرهنگ شفاهی هر ملتی هستند که نه تنها کارکردهای اجتماعی و فرهنگی دارند، بلکه حاوی مضامینی مرتبط با طبیعت و مقاومت مادران در برابر ساختارهای مردسالارانه نیز می‌باشند. مردم روس بیشتر از لایایی‌ها برای انتقال آرامش و امنیت به کودک بهره می‌برند. در لایایی‌های روسی، عناصر طبیعت مانند برف، ماه و شب به عنوان نماد امنیت و همچنین جنبه‌ای واقع‌گرا و هشداردهنده در مواجهه با دشواری‌ها به کار می‌روند. در لایایی‌های کردی، نقش طبیعت به عنوان نمادی از زیبایی و رهایی، بازتاب‌دهنده زندگی عشایری و پیوند قوی با محیط زیست است. حیوانات نیز در هر دو فرهنگ نقش‌هایی حمایتی یا هشداردهنده ایفا می‌کنند؛ نقش حمایتگر و آرامش‌بخش در خانواده در فولکلور روسی متعلق به گربه و در فولکلور کردی مربوط به پرندگان است. حیواناتی مانند گرگ، موجود افسانه‌ای «بوکا» در فرهنگ روسی و «کمیتاری سمپان»، «پیاوخور زله»، «لولو» و «گرگه گه» در فرهنگ کردی، کارکردی هشدار دهنده دارند. شایان ذکر است که کاربرد تمثیل‌های شاعرانه در انتقال مفاهیم فرهنگی و ارزش‌های اخلاقی و استفاده از استعاره‌های طبیعت در دو فرهنگ، حامل پیام‌هایی درباره زندگی، مبارزه و امید است. روش پژوهش حاضر کتابخانه‌ای و توصیفی است. هدف این پژوهش بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های این بخش از فولکلور در لایایی‌های روسی و کردی از منظر زبان‌شناسی فرهنگی و تطبیقی است.

لایایی به‌شیک له فرهنگ‌نگی ده‌کی هر گلیکه که نه تمنا کردای کومه‌لایمتی و فرهنگ‌نگی همیه، بدلکوو ناوروکی پئوه‌نیدار به سروشت و به‌رخ‌دانی دایکان دژی پیکه‌ته‌ی پی‌اوس‌ریش له خو نه‌گرئ. خه‌لکی پرووس له لایلیه زۆرتیر بۆ به‌خشینی هیمنایه‌تی به منداڵ کملک و مرده‌گرن. له لایلیه‌ی پرووسیدا هیمناگه‌لی سروشت وهک به‌فر، مانگ و شوو وهک هیمای هیمنایه‌تی و هه‌روه‌ها لایه‌نی راستینی و راجله‌کینه‌ر له هه‌مه‌یه‌ر ناریشه‌کاندا به کار دئ. له لایلیه‌ی کوردیدا، دوری سروشت وهک هیمای جوانی و نازادی، درخه‌ری ژیا‌نی خه‌له‌کی و پئوه‌ندی به‌هیز له گه‌ل ژینگه‌دایه. ناژه‌لانی‌ش له هه‌ر دوو فرهنگ‌ه‌که‌دا دوری پشتیوانی یان راجله‌کینه‌ر نه‌گرن؛ له فولکلوری پرووسیدا دوری پشتیوان و هیمنایه‌تی‌ه‌ری ناو بنه‌ماله‌هی پشله و له فولکلوری کوردیدا هی بالندیه. ناژه‌لانی‌ک وهک گورگ، بوونه‌وریکی خه‌یالی «بوکا» له فرهنگ‌نگی پرووسیدا و «که‌میتاری سمپان»، «پیاوخور زله»، «لولوو» و «گورگه‌گه» له فرهنگ‌نگی کوردیدا کردای راجله‌کینه‌ریان همیه. شیاری باسه که به‌کاره‌یتانی چیرۆکی شاعیرانه له گواسته‌وه‌ی چه‌مکی فرهنگ‌نگی و بایه‌خه نه‌خلاقیه‌یه‌کان و که‌لک‌وه‌رگرتن له خوازی سروشت له هه‌ر دوو فرهنگ‌ه‌که‌دا، هه‌لگری په‌یام‌ه‌نگه‌لیک سه‌باره‌ت به ژیا‌ن، به‌رنگاری و هیوایه. شتواری ئه‌م توژی‌ه‌یه‌یه‌ کتبخانه‌یی و ته‌وسیفیه. مه‌به‌ستی توژی‌ه‌یه‌یه‌ که‌لیک‌ه‌وه‌ی ویکچوویی و جیاوازی ئه‌م به‌شیه فولکلور له لایلیه‌ی پرووسی و کوردی له روانگی زمان‌ناسی فرهنگ‌نگی و به‌راورد‌کاریه.

وشه‌گه‌لی سه‌ره‌کی: فرهنگ‌نگی ده‌کی، لایلیه، هیمناگه‌لی سروشت، ناژه‌لان، هیمای زمان‌ناسی فرهنگ‌نگی

واژگان کلیدی: فرهنگ شفاهی، لایایی‌ها، عناصر طبیعت، حیوانات، نماد، زبان‌شناسی فرهنگی

۱- مقدمه

لالایی‌ها بخشی از فولکلور هر ملت را تشکیل می‌دهند که اغلب توسط زنان، به‌ویژه مادران خوانده می‌شوند. به گفته حلیمه عنایت و همکاران «لالایی‌ها در طی قرون متمادی از لایه‌های ذهن و زبان مردم متأثر گردیده‌اند و از این‌رو، آئینه تمام‌نمایی از جنبه‌های واقعی زندگی اجتماعی هستند» (عنایت و دیگران، ۱۳۹۰: ۵۸). لالایی‌ها نقشی مهم در انتقال ارزش‌های فرهنگی و ایجاد آرامش برای کودک ایفا می‌کنند. این آثار شفاهی در تمام فرهنگ‌ها به عنوان ابزاری برای بیان پیام‌های عاطفی، اجتماعی و فرهنگی به کار می‌روند و یکی از نخستین تجربه‌های شنیداری کودکان به‌شمار می‌آیند.

در فرهنگ‌های کُردی و روسی، لالایی‌ها علاوه بر ایجاد پیوند عاطفی میان مادر و کودک، بازتابی از محیط طبیعی، شرایط اجتماعی و جهان‌بینی این جوامع‌اند. ویژگی‌های موسیقایی و زبانی لالایی‌ها نه تنها به تقویت ارتباط عاطفی کمک می‌کنند، بلکه نقش مؤثری در شکل‌دهی به هویت فرهنگی و انتقال دانش بومی به نسل‌های بعد دارند.

در فرهنگ کُردستان، لالایی‌ها اغلب در بستر زندگی عشایری و با ارجاع به طبیعت اجرا می‌شوند. مادران کُرد با بهره‌گیری از ریتم‌های موسیقی محلی و استفاده از مضامینی چون کوه، باد و گل می‌کوشند حس آرامش و امنیت را به کودک خود القا کنند. در فرهنگ روسی نیز لالایی‌ها افزون بر ایجاد آرامش، گاه ابزاری برای تربیت و آماده‌سازی کودک در مواجهه با دشواری‌های زندگی به‌شمار می‌روند. با وجود تفاوت‌های زبانی و فرهنگی، شباهت‌های قابل‌توجهی در ساختار، مضامین و کارکرد لالایی‌ها در این دو فرهنگ مشاهده می‌شود. بررسی تطبیقی لالایی‌های کُردی و روسی می‌تواند درکی عمیق‌تر از پیوند زبان و فرهنگ و نیز شباهت‌ها و تفاوت‌های فرهنگی میان جوامع مختلف فراهم آورد. در این پژوهش، تلاش شده با تحلیلی دقیق از لالایی‌های کُردی و روسی، تصویری جامع از این آثار فولکلوریک و نقش آن‌ها در ساختار فرهنگی جوامع مورد نظر ارائه شود.

۲- چهارچوب نظری تحقیق: نظریه زبان‌شناسی فرهنگی^۱

این نظریه به رابطه میان زبان و فرهنگ توجه دارد و بر این باور است که زبان، بازتاب‌دهنده چارچوب‌های فکری، ارزش‌ها و جهان‌بینی ملت‌هاست. لالایی‌ها به عنوان بخشی از فرهنگ شفاهی مردمان سرزمین‌های گوناگون، ابزاری برای انتقال میراث غنی مردمی و نیز روایت رنج و امید به نسل‌های آینده به‌شمار می‌روند. همچنین، زبان‌شناسی فرهنگی بر این اصل استوار است که زبان و فرهنگ به طور متقابل بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و بازتابی از ارزش‌ها، جهان‌بینی و تجربیات مشترک جوامع هستند.

چارچوب نظری این پژوهش از ترکیب نظریه‌های زبان‌شناسی فرهنگی و زبان‌شناسی تطبیقی شکل گرفته است. از سوی دیگر، زبان‌شناسی تطبیقی به مطالعهٔ ساختارهای زبانی و موسیقایی در فرهنگ‌های مختلف پرداخته و شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها را تحلیل می‌کند.

۱-۲- فرضیه

لالایی‌های کُردی و روسی علاوه بر کاربردهای عاطفی و تربیتی، در انتقال مضامین فرهنگی و اجتماعی نقش محوری دارند و شباهت‌هایی در استفاده از نمادهای طبیعت و ریتم‌های آرامش‌بخش نشان می‌دهند. با این حال، تفاوت‌هایی در مضامین سیاسی و اجتماعی آن‌ها قابل مشاهده است. در بستر تطبیق فرهنگی و فراملی، می‌توان ادعا کرد که لالایی‌های کُردی به طور مداوم میان ابعاد شخصی و سیاسی پل می‌زنند و مادر، حتی در جامعه‌ای مردسالار، تلاش می‌کند صدای خود را حفظ کرده و آن را به فرزندان منتقل کند. لالایی‌های روسی نیز، علاوه بر بازتاب سختی‌ها، از مضامین همبستگی جمعی برای ایجاد امید به آینده بهره می‌برند؛ به‌ویژه در دوران شوروی، جنبه‌های ایدئولوژیک در لالایی‌ها وارد شده و گاه با احساسات فردی مادر در تقابل قرار می‌گیرند.

۲-۲- پرسش‌های تحقیق

- ۱- چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در مضامین لالایی‌های کُردی و روسی وجود دارد؟
- ۲- چگونه عناصر زبانی در این لالایی‌ها نقش آرامش‌بخش را ایفا می‌کنند؟
- ۳- نمادهای طبیعت در انتقال پیام‌های فرهنگی در هر دو سنت چه نقشی دارند؟

۳- پیشینهٔ پژوهش

بررسی لالایی‌ها در منابع فارسی پیش‌تر در برخی پژوهش‌ها انجام شده است. پیرک در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل مضامین (موتیف‌ها) در لالایی‌های آذری» به موضوعاتی همچون مضامین دینی، طبیعت، آرزوهای مادرانه، درون‌مایه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، خانواده و خویشاوندان در لالایی‌های آذری پرداخته است. همچنین اصطلاح «بایاتی» را به عنوان گونه‌ای شعر تغزلی مردم آذربایجان معرفی کرده که دارای هفت هجا و چهار مصراع است و در آن «مصراع سوم آزاد و بقیه هم‌قافیه هستند و اندیشهٔ اصلی در بیت دوم بیان می‌شود» (پیرک، ۱۴۰۲: ۲۰۲؛ به نقل از زارع شاهمرسی، ۱۳۸۸: ۳۲۴).

مشتاق‌مهر و فیضی به بررسی سیمای جامعهٔ کرد در لالایی‌های کُردی پرداخته و مقولات اجتماعی متعددی مانند مشکلات زنان در جامعهٔ عشیره‌ای و سنتی کُرد در دوران‌های گذشته، نقد وضعیت سیاسی به دلیل تبعیض، مدح وطن‌دوستی و ارزش‌هایی همچون دل‌آوری، ترسیم شرایط اقتصادی آن دوره، معرفی خوراک، پوشاک و شرایط زیستی کردها و اشاره به موجودات افسانه‌ای را مورد بحث قرار داده‌اند (مشتاق‌مهر و فیضی، ۱۳۹۹: ۸۹-۱۰۸). نویسندگان به مضامین اجتماعی و سیاسی لالایی‌ها هم اشاره

کرده‌اند؛ از جمله نگرانی نسبت به ازدواج مجدد مردان، بیان باورهای مذهبی، نقد حکومت، ستایش وطن‌پرستی و شجاعت. پارسا و حسین‌پناهی نیز لالایی‌های بیداری در ادبیات مشروطه را تحلیل کرده و تأکید کرده‌اند که به دلیل اتکای انقلاب مشروطه به عامه مردم - که از سطح سواد پایین‌تری برخوردار بودند - شاعران آن دوره «ناگزیر بودند برای برقراری ارتباط با آنان به ادب عامه روی بیاورند و از آنجا که لالایی برای هر ایرانی آشنا بود، با به‌کارگیری این نوع ادب عامه و هنجارگریزی در آن، آن را به لالایی بیداری جهت برخاستن از خواب غفلتی که جامعه را در بر گرفته، تبدیل کنند» (پارسا و حسین‌پناهی، ۱۴۰۲: ۱۳). همچنین در آثار نویسندگانی چون موزونی (۱۳۹۷) و جهانفرد (۱۳۹۶) مجموعه‌ای از اشعار لالایی‌گردی مستند شده است. ولی‌زاده نیز بر نقش لالایی‌ها در انعکاس آلام جامعه در ادوار مختلف و بیان آرزوهای دست‌نیافتنی مردم کرد تأکید می‌کند (ولی‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۳۴-۱۳۵).

پژوهش‌های متعددی نیز در زمینه لالایی‌ها به زبان روسی انجام شده است. از قدیمی‌ترین این پژوهش‌ها می‌توان به اثر آنیکین اشاره کرد که در زمینه ادبیات کودک در اواخر دهه ۱۹۵۰ به چاپ رسید و به بررسی فولکلور کودکان از جنبه‌های تاریخی، زبان‌شناختی، کارکردگرایانه و آموزشی پرداخت (آنیکین، ۱۹۵۷). ملنیکوف ژانر اشعار تعلیمی را به پنج دسته تقسیم کرد که لالایی‌ها^۱ را در کنار چهار ژانر دیگر، یعنی آهنگ‌های کودکان^۲، اشعار همراه بازی کودکان^۳، اشعار کوتاه طنز^۴ و داستان‌های کوتاه ملال‌آور^۵ قرار می‌داد (ملنیکوف، ۱۹۸۷: ۱۶).

ملنیکوف ریشه واژه *калыбельные* (لالایی‌ها به زبان روسی) را اقتباسی از افعال *колыхать* (تکان دادن)، *колебать* (جنباندن)، *качать* (تاب دادن) و *зыбать* (تکان دادن) دانسته و واژه *байка* (لالا لالایی) را مرتبط با افعالی همچون *баякать* (لالایی گفتن) «качать» و *усыплять* (خواباندن) می‌داند. همچنین، او از تلاش‌های ارزشمند فولکلورشناسان، مردم‌شناسان، معلمان و پژوهشگران که از نیمه اول قرن نوزدهم به گردآوری و پژوهش لالایی‌ها پرداخته‌اند، از جمله وتوخین، دابریاکوف، وینوگراдов، کاپیتسا، کراسنوزنوو، بارتاشویچ و مارتینووا یاد می‌کند (ملنیکوف، ۱۹۸۷: ۱۷).

ملنیکوف به اهمیت رشد روانی کودک اشاره و تأکید می‌کند که برای به‌خاطر سپردن هر اطلاعاتی، کودک باید با تکرار، آن‌ها را به حافظه بسپارد. از این رو، حجم کل لالایی به ندرت از بیش از هشت بیت فراتر می‌رود و موتیف‌های آن نیز باید مختصر باشند تا بتوان به راحتی از یک موتیف به موتیف دیگر گذر کرد. وی همچنین، به شکل‌گیری اولین واژه‌نامه کودک اشاره می‌کند که از طریق لالایی به دست می‌آید و به کمک آن کودک قادر خواهد بود به شناخت دنیای اطراف خود دست یابد (ملنیکوف، ۱۹۸۷: ۲۰).

1. колыбельные песни
2. пестушки
3. потешки
4. прибаутки
5. докучные сказки

در لالایی‌های روسی، یرماکووا و پراکوفیوا (۲۰۲۰) وزن و ملودی را مورد مطالعه قرار داده‌اند. آن‌ها با بررسی ۳۰ لالایی در زبان‌های روسی و آلمانی، اشاره کرده‌اند که وزن لالایی‌های روسی که عمدتاً بر پایه «خاری» استوار است، با ماهیت بازی و بازیگوشی کودکان هم‌سو می‌باشد (یرماکووا و پراکوفیوا، ۲۰۲۰: ۱۳۳). بلوددووا (۲۰۲۳) نیز به ماهیت بداهه‌پردازی در لالایی‌ها پرداخته و تأکید کرده است که موتیف‌های ثابت و پایدار در خلق این لالایی‌ها نقش برجسته‌ای دارند. او همچنین، با استناد به مارتینووا، لالایی‌ها را به چهار دسته امری، خبری، اقتباسی و دارای ساختار ادبی تقسیم کرده است (مارتینووا، ۱۹۷۴ به نقل از بلاددووا، ۲۰۲۳: ۵۴).

یرخونینا و نیکولاویا (۲۰۲۲) با تحلیل آوایی لالایی‌های روسی، به نقش تکرار و فراوانی صداها اشاره کرده‌اند که تأثیر زیادی بر انتقال احساسات و ایجاد ریتم دارد. این مطالعات نشان می‌دهد که لالایی‌های روسی بازتاب‌دهنده باورهای سنتی، ارزش‌ها و ویژگی‌های زبانی جامعه هستند و گنجینه فولکلور زبان‌های روسی و کردی منابع غنی برای درک فرهنگ، زبان و باورهای مردم این جوامع به شمار می‌آیند که در بررسی تطبیقی آن‌ها، شباهت‌ها و تفاوت‌های فرهنگی به خوبی روشن می‌شود.

۴- بحث و بررسی

در این بخش به مضامین گوناگون طبیعت در لالایی‌های کردی و روسی می‌پردازیم. در لالایی‌های کردی، طبیعت با تصاویری از کوه‌ها، رودخانه‌ها و زندگی عشایری بازتاب می‌یابد که نمادهایی از آزادی، سادگی و زیبایی هستند. این تصاویر نه تنها پیوندی عمیق میان انسان و محیط زیست را به نمایش می‌گذارند، بلکه نشان‌دهنده ارتباط فرهنگی و معنوی مردم کرد با طبیعت‌اند. در واقع، طبیعت در این لالایی‌ها نقش اساسی در انتقال ارزش‌های فرهنگی، اخلاقی و زیبایی‌شناختی ایفا می‌کند. نمونه‌هایی از واژگان طبیعت‌محور در لالایی‌های کردی عبارت‌اند از: «داره گول» (درخت گل)، «چوو رازیانه» (چوب رازیانه)، «ته‌رخه‌وان ته‌پ» (ارغوان تر)، «دار بایه‌مجان» (درخت بادمجان)، «ته‌مروو» (درخت گلابی)، و «داره‌توو» (درخت توت). این واژگان نه تنها به جنبه‌های ملموس طبیعت اشاره دارند، بلکه در مواردی، نوعی بزرگ‌نمایی شاعرانه و خیال‌پردازانه را نیز در خود جای داده‌اند. گاه جنس گهواره در این اشعار از عناصری طبیعی ساخته می‌شود که می‌تواند نماد واقعیت، رویا یا آرمان باشد؛ پدیده‌ای که هم در لالایی‌های کردی و هم در لالایی‌های روسی دیده می‌شود. نمونه‌هایی از لالایی‌های کردی با مضامین طبیعت:

۱. هه‌ی کوپ وه قوربان یار و یانه‌تم / هه‌لوورک ده‌چوو رازیانه‌تم.

Hey kurr we qurban yar û yanet im / Helûrik de çû raziyanet im

[برگردان: ای پسر، فدای یار و خانمانت شوم! / گهواره‌ات را از چوب رازیانه می‌سازم!]

۲. هه‌لوورک سازم ده ته‌رخه‌وان ته‌پ / چواردهور گشتی بگریمن ده زه‌پ.

Herlûk sazim de erxewan terr / Çwardewari giştê bigirîm de zerr

[برگردان: گهواره‌ای برای از ارغوان تر و تازه می‌سازم / و اطرافش را با طلا می‌آرایم!]

۳. لاوه‌لاوه گم له دییه و له دَل / گافارد به‌سام له سای داری گول.

Lawe lawegem le dîyew le dill / Gafared besam le say dari gwill

[برگردان: لایلی برای از دیده و دل می‌گویم / گهواره‌ات را در سایه درخت گل می‌بندم.]

۴. لاوه‌لاوه گم لاوهم وه دَل بوو / توه‌مه‌ی رازیانه، خه‌رمانه‌ی گول بوو.

Lawe lawegem lawem we dill bû / Tûemey razyane, xermaney gwill bû

[برگردان: لایلی‌ام از صمیم دل است / چون دانه رازیانه و خرمن گل!]

۵. لاوه‌لاوه گم له دیده و له گیان / له‌لووگه به‌سام له دار بایه‌مجان.

Lawe lawegem le didew le gyan / Leluweged besam le dar bayemcan

[برگردان: لایلی‌ام از جان و دیده برمی‌خیزد / گهواره‌ات را به درخت بادمجان می‌بندم.]

۶. لاوه‌لاوه گم له سای داری تو / چریم تهو خودا، پروله‌م گه‌ورا بوو.

Lawe lawegem le say dari tû / Çirrîm ew xwida, rûllem gewra bû

[برگردان: در سایه درخت توت برای لایلی می‌خوانم / از خدا می‌خواهم کودکم بزرگ شود!]

۷. لاوه‌لاوه گم نه‌ودن وه دروو / کوورپه گم بنه‌م له سایه‌ی ته‌مروو.

Lawe lawegem, newdin we dirû / Kûrpegem binem le sayey emrû

[برگردان: لایلی‌ام دروغ نیست / کودکم را در سایه درخت گلابی می‌خوابانم.]

در لایلی‌های روسی زیر نیز از موادی که در ساخت گهواره استفاده شده و یا چوبی که به عنوان

اهرم به عنوان تکیه‌گاه گهواره استفاده می‌شود، یاد شده است:

1) Спи-дитятко, почивай

Спи-дитятко, почивай, свои глазки закрывай, / Стану петь я, распевать, колыбель твою качать, / Ходит Сон по сенечкам, Дрема под окошечком, / А как Сон-то говорит, я скорее усыплю, / А Дрема-то говорит, я скорее удремлю, / А как Сон-то говорит, где бы колыбель найти? / Где-бы колыбель найти, поскорее усыпить?

Висит колыбелька, во высоком терему, / Во высоком терему, в шитом-браном пологу, / На серебряных кольцах, на кленовом очепу, / На кленовом очепу, на шелковом поясу, / Васька-кот, не ходи, мою детку не буди, / Спи, дитятко, здорово, вставай весело, / Вставай весело, на улице рассвело.

[برگردان: بخواب کودک من استراحت کن / بخواب بچه استراحت کن چشمه‌هایت را ببند / من آواز

خواهم خواند، آواز خواهم خواند، گهواره تو را تکان خواهم داد، / خواب در امتداد راهروی خانه قدم

می‌زند، و چرت زیر پنجره راه می‌رود. / و همانطور که رویا می‌گوید، من هم تو را زودتر خواهم خواباندم!

/ و چرت هم می‌گوید، تو را زودتر می‌خوابانم. / و همانطور که رویا می‌گوید، کجا می‌توانم گهواره را

پیدا کنم؟ / کجا می‌توانم گهواره‌ای پیدا کنم و در سریع‌ترین زمان ممکن تو را بخوابانم؟

گهواره‌ای در اتاق زیرشیروانی در آن مکان بلند آویزان است، / در یک اتاق بلند، و سایبان گهواره هم با بند سنتی گلدوزی شده. / روی حلقه‌های نقره، با اهرمی از جنس درخت افرا. / با اهرمی از جنس درخت افرا و روی کمربندی ابریشمین. / واسکا گربه، نرو، عزیزم را بیدار نکن، / خوب بخواب، کودکم، و با نشاط بیدار شو، / با نشاط برخیز، که سحر شده است.



شکل ۱- بند سنتی طرح‌دار و گلدوزی‌شده که به عنوان کمربند نیز از آن استفاده می‌شود

در لالایی بالا، علاوه بر ذکر جنس اهرمی که گهواره به آن تکیه دارد، از بند سنتی طرح‌دار «برانی پویاس» نیز یاد می‌شود که از آن در دوخت سایبان گهواره استفاده می‌شود. به لالایی روسی دیگری با مضمون طبیعت و جنس گهواره در زیر توجه کنید:

2) Бай, бай, бай, мое дитятко, / Уж я дитятко люблю, да нову зыбочку куплю, / Уж я рабенька спотешу – нову зыбочку повешу, / Нову зыбочку повешу – дитя спать повалю, / Спать повалю, да тебя в зыбочку, / В зыбочку, да в колыбелечку, / В колыбелечку, да на постелечку, / На сголовице, да на здоровьице.

Еще зыбочка-кач-кач, да золоты были бочка, / Очепок с камкой, да посередке золотой, / Уж ты спи ты мое дитятко, без байканья, / Спи без байканья, да ты без люльканья, / Уж ты спи, дитя, здоровенько, вставай весело, / Ты спи камушком, да вставай перышком.

[برگردان: لای لای لای، کودک عزیزم / من کودکم را دوست دارم و برایش یک گهواره کوچک نو می‌خرم. / من نوزادم را سرگرم خواهم کرد و گهواره نویش را می‌بندم و آویزان می‌کنم. / گهواره نو را آویزان می‌کنم و کودکم را در آن می‌خوابانم. / من می‌خوابانم تو را در گهواره. / در گهواره، بلکه در گهواره. / در گهواره کوچک و روی تخت / در بالا و سر تخت و در آرامش و سلامتی.

گهواره را تکان تکان می‌دهم، گهواره‌ای که کناره‌هایش طلایی است. / و اهرمش با پارچه حریر دمشق تزیین و وسطش هم طلادوزی شده است. / بخواب، فرزندم، بدون لالایی! / بخواب، فرزندم،

بدون لالایی، آری بخواب! / خوب بخواب، فرزندم و با نشاط از خواب برخیز! / مثل یک سنگریزه و با خوابی عمیق و سنگین بخواب، / اما سبک و مثل یک پر از خواب بیدار شو.

طبیعت در لالایی‌های کُردی نماد رهایی و پیوند با محیط زیست است. تجسم طبیعت در این لالایی‌ها جاری است و بر ارتباط میان جامعه و محیط پیرامون آن تأکید می‌کند. اشاره به کوه‌ها، رودخانه‌ها و زندگی شبانی اغلب دیده می‌شود که نمادی از آزادی و زیبایی ناهموار سرزمین‌های کردنشین است. این مضامین بازتابی از شعر کُردی و سنت‌های شفاهی‌اند که همراه با بیان احساسات انسانی، ویژگی‌های خاص زندگی عشایری و عناصر طبیعی ویژه آن منطقه را نیز در خود جای داده‌اند. اومبرتو اکو درباره اهمیت نشانه‌ها و نمادها می‌گوید: «نشانه‌ها تنها نمادهایی نیستند که به اشیاء خارجی ارجاع می‌دهند، بلکه به عنوان ساختارهایی پیچیده در متن‌های فرهنگی عمل می‌کنند و مفاهیم اجتماعی و تاریخی را بازتاب می‌دهند» (اکو، ۱۹۷۶: ۱۴-۱۶). وی همچنین در جایی دیگر می‌نویسد: «نشانه‌ها در متون فرهنگی نه تنها حامل معانی، بلکه واسطه‌هایی برای بازتاب قدرت و مقاومت هستند. این امر به ویژه زمانی مشهود است که لالایی‌ها در انتقال هویت‌های قومی نقش ایفا می‌کنند» (اکو، ۱۹۸۴: ۵۰-۵۵)؛ بنابراین، نشانه‌ها در تحلیل لالایی‌ها به منظور شناسایی عناصری که سنت‌های محلی را منتقل می‌کنند، مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ مانند نمونه‌های زیر:

۱. لاوه‌لاوه‌گم، له‌یل ئەمەر بانوو / زەنجیرە زولفی شەمال مەشانوو.

Lawa lawegam, leyl Amarbanu / zanjirey zulfî şamal maşanu

[لالایی می‌گویم برایت ای عروس امیر / زنجیره مویت را باد شمال شانه می‌زند.]

شەمال بەشانوو یەقە یەقە کەتانی / گەرمی گەرمەسێر دەرچوو لە گیانی.

Şamal başanuw yeqay ketani / garmi Garmasir der çu le gyani

[باد شمال یقه پیراهن کتانی‌اش را تکان می‌دهد / تا گرمای گرمسیر را از وجودش خارج کند.]

گەرمی گەرمەسێر، تیەلی ئاو سوول / جەوول جەوولەیل، هەلەتەیل چوول

Garmi garmasir, tieli aw sool / jawal jawaleyl halatayl çul

[گرمای گرمسیر و تلخی آب شور / کوه‌های تپه مانند و بیابان‌های خالی از سکنه.]

در لالایی‌های روسی نیز عناصر طبیعی همچون ماه، باد، برف، شب و سرمای یخبندان حضور دارند. این عناصر معمولاً در لالایی‌های روسی نماد آرامش، امنیت و گاهی ناپایداری یا مخاطره هستند و همچنین شرایط زیست‌محیطی سخت روسیه را بازتاب می‌دهند. یکی از نمونه‌های برجسته در این زمینه، لالایی «Казачья колыбельная песня» یا «لالایی قزاقی» است که سروده میخائیل لرمانتوف، شاعر روس، می‌باشد. در این لالایی، تصاویر ماه آرام در شب، نور ملایم و شرایط آرام طبیعت به کار رفته‌اند تا حس امنیت را برای کودک فراهم کنند. همچنین، عناصری از پیش‌بینی دشواری‌های

زندگی آینده نیز در این لالایی دیده می‌شود که نشان‌دهندهٔ واقع‌گرایی و تربیت روانی برای مواجهه با چالش‌هاست. برای نمونه، یکی از بندهای این لالایی چنین مضمون دارد:

Спи, младенец мой прекрасный, / Баюшки-баю. / Тихо смотрит месяц ясный / В колыбель твою. / Стану сказывать я сказки, / Песенку спою; / Ты ж дремли, закрывши глазки, / Баюшки-баю.

[بخواب، نوزاد زیبای من! / لالا لالا / ماهِ روشن به آرامی می‌نگرد / به گهوارهٔ تو. / و من شروع به داستان‌سرایی خواهم کرد، / و ترانه‌ای خواهم خواند؛ / تو چشمان زیبایت را ببند و چرتی بزن! / لالا لالا!]

По камням струится Терек, / Плещет мутный вал; / Злой чечен ползет на берег, / Точит свой кинжал; / Но отец твой старый воин, / Закален в бою: / Спи, малютка, будь спокоен, Баюшки-баю.

[رود ترک بر سنگ‌ها جاری است / و موجی گل‌آلود بر هوا می‌پاشد؛ / چچنی خشمناک به سوی ساحل می‌خزد، / خنجرش را تیز می‌کند؛ / اما پدرت جنگجویی کهنه‌کار است، / در نبرد آب دیده شده! / بخواب فرزند خُردم! آرام بگیرد! / لالا لالا!]

Сам узнаешь, будет время, / Бранное житье; / Смело вденешь ногу в стремя / И возьмешь ружье. / Я седельце боевое / Шелком разошью... / Спи, дитя мое родное, / Баюшки-баю.

[خود خواهی فهمید، زمانی فرا خواهد رسید، / که زندگی توهین‌آمیز خواهد بود. / با خیال راحت پا در رکاب خواهی نهاد! / و اسلحه را بر خواهی داشت! / من نیز زین جنگی را ... / با نخی از ابریشم وصله خواهم زد! ... / بخواب فرزند عزیزم / لالا لالا!]

Богатырь ты будешь с виду / И казак душой. / Провожать тебя я выйду — / Ты махнешь рукой... / Сколько горьких слез украдкой / Я в ту ночь пролью!... / Спи, мой ангел, тихо, сладко, / Баюшки-баю.

[قهرمانی خواهی بود به ظاهر! / و قزاقی خواهی بود در قلبت! / می‌آیم تا بدرقه‌ات کنم / دستت را تکان می‌دهی... / چه اشک‌هایی پنهانی / در آن شب از چشمم جاری خواهد شد! / بخواب فرشتهٔ من، آرام و شیرین، / لالا لالا!]

Стану я тоской томиться, / Безутешно ждать; / Стану целый день молиться, / По ночам гадать; / Стану думать, что скучаешь / Ты в чужом краю... / Спи ж, пока забот не знаешь, Баюшки-баю.

[از فرط حسرت به زوال خواهم رسید / و صبر دیگر تسلای خاطریم نیست. / تمام روز را دست به دعا بر خواهم داشت! / و شب‌هایم مالا مال از حدس و گمان خواهد شد! / در افکارم تو را دلتنگ خود می‌بینم، / در سرزمین دشمن. / بخواب، هنوز نمی‌فهمی دغدغه یعنی چه! / لالا لالا!]

Дам тебе я на дорогу / Образок святой: / Ты его, моляся богу, / Ставь перед собой; / Да, готовясь в бой опасный, / Помни мать свою... / Спи, младенец мой прекрасный, / Баюшки-баю. 1838 г.

[بر سر راحت به تو / نمادی مقدس خواهم داد / و تو دعاکنان به درگاه خداوند، / آن را در برابرت بگذار! / آری، آماده نبردی سهمگین باش! / مادرت را بیاد بیاور! / بخواب عزیزم، ای زیبای من! / لالا لالا!]

در این لالایی، ماه و شب به عنوان نمادهای آرامش و همچنین پیش‌زمینه‌ای برای هشدار در برابر آینده‌ای پر از حوادث سخت به کار رفته‌اند که از ویژگی‌های برجسته لالایی‌های روسی محسوب می‌شود. این لالایی‌ها بیشتر محصول شب‌های طولانی و شرایط سخت آب و هوایی مناطق سردسیری‌اند. ایلینا، گالوینا و سومتسینا در مقاله‌ای به تحلیل تغییرات کدهای معنایی متون فولکلور، از جمله لالایی‌های روسی، پرداخته‌اند. در این تحقیق، با تحلیل معنایی ۲۰۰ واژه کلیدی از ۱۰۰ لالایی روسی قرن هجدهم و ۱۰۰ لالایی قرن بیستم و بیست‌ویکم، به بررسی نقش نمادهای طبیعی در انتقال مفاهیم فرهنگی و روان‌شناختی اشاره شده است. به عنوان مثال، واژه «گهواره» در فرهنگ روسی نه تنها به معنای مادی آن، بلکه به عنوان نماد تولد، پرورش و گاه مبدأ یک تغییر انقلابی تعبیر می‌شود. همچنین، ظهور متون فولکلور مدرن، از جمله لالایی‌ها، با تغییرات اجتماعی، اقتصادی و انقلاب تکنولوژیک در حوزه ارتباطات جمعی مرتبط است (ایلینا و دیگران، ۲۰۲۰: صص. ۴۶۰). اسطوره‌ها به عنوان مجموعه‌ای از نشانه‌های معنادار، به صورت ناخودآگاه در لالایی‌ها و بازنمایی فرهنگی آنها نقش دارند. چاندلر با تأکید بر بازنمایی مفاهیمی مانند «امنیت»، «خطر» و «ترس از امور ناشناخته» در لالایی‌ها، به تحلیل عملکرد لالایی به عنوان ابزاری میانجی در انتقال باورهای مرتبط با طبیعت و مفاهیم استعاره‌ای همچون شب و خواب می‌پردازد (چاندلر، ۲۰۰۷: ۱۱۳-۱۱۸).

در هر دو سنت روسی و کردی، لالایی‌ها صرفاً کاربردی نیستند، بلکه حامل پیام‌های آموزشی، درس‌های اخلاقی و ارزش‌های فرهنگی هستند و از تمثیل‌ها برای انتقال حکمت بهره می‌برند. در برخی از لالایی‌ها به وفور از گیاهان، عناصر طبیعی و برخی جانوران یاد شده است. بیشتر به نقش گیاهان و عناصر طبیعی در لالایی‌های کردی اشاره شد، اما استفاده از تمثیل‌ها با کمک حیوانات در لالایی‌های روسی، فرانسوی، کردی و احتمالاً سایر ملل نیز مشترک است. در همین رابطه، افراسیاب‌پور و آریان می‌گویند: «حیوانات نه تنها در زندگی نقش حیاتی و مهمی ایفا کرده‌اند و تمدن بشری بیش از هر چیز مدیون آن‌هاست، بلکه در ادبیات نیز حضور مؤثر دارند و این جایگاه در ادبیات شفاهی و فرهنگ عامیانه به وضوح دیده می‌شود. یکی از نمونه‌های بارز این نقش را می‌توان در لالایی‌ها مشاهده کرد؛ جایی که حیوانات به آموزش انسان کمک می‌کنند و از روزهای نخست زندگی، انسان با این گونه ادبی آشنا شده و نقش عاطفی و احساسی خود را در کنار تعلیم و آموزش ایفا می‌کنند» (افراسیاب‌پور و آریان، ۱۴۰۲: ۷۵).

مادران کرد و روس هر دو از لالایی‌ها به عنوان وسیله‌ای برای پردازش احساسی سختی‌ها بهره می‌برند. در روسیه، این آهنگ‌ها ممکن است شامل ارجاع به عناصر طبیعی به عنوان استعاره‌هایی برای مبارزه باشند، مانند بادهای سرد یا مزارع بایر در لالایی‌های روسی، و کاربرد کوه، انواع گل، درخت و

گیاه در لالایی‌های کُردی. حیوانات در لالایی‌ها بیانگر مبانی فرهنگی و کارکردهای حفاظتی در سنت‌های روسی و کُردی هستند و اغلب به عنوان طلسم یا افسون برای محافظت از کودکان در برابر آسیب به کار می‌روند. هدف محافظتی در ساختارهای تکراری و زبان استعاری آن‌ها مشهود است و خواب نیز به عنوان انتقالی میان جهان زندگی و قلمروهای اخروی، مرزی ایجاد می‌کند.

در هر دو فرهنگ، نقش مادر به عنوان داستان‌سرا و راهنمای معنوی بسیار محوری است. تکرار عباراتی همچون «Bayu-bayushki-bayu» در لالایی‌های روسی، مشابه عبارات «لالا لالا لالایی» در زبان فارسی و «لای لایه» یا «لاوه‌لاوه‌گم» در کُردی، در ایجاد ریتم‌های آرامش‌بخش و القای اطمینان مادرانه مؤثر است. هدف نه تنها خواباندن کودک، بلکه ایجاد احساس امنیت در دنیایی غیرقابل پیش‌بینی است. در این زمینه، نقش نمادین و عملکرد حیوانات در لالایی‌های روسی که ارتباط مستقیم با فرهنگ و باورهای مردم این سرزمین دارد، می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:

۱. نمادگرایی ایمن: استفاده از این عناصر در لالایی‌ها نماد احساس امنیت است و با حضور حیواناتی مانند گربه^۱، کبوتر^۲، سگ^۳ و... مرتبط است. گربه‌ها در لالایی‌های روسی اغلب به عنوان موجوداتی حامی، یاریگر و آرام‌بخش ظاهر می‌شوند. برای مثال، گربه در کنار گهوارهٔ کودک حضور دارد و به او کمک می‌کند تا به خواب رود؛ نقشی که ناشی از رفتار آرام و نزدیکی گربه به خانه و خانواده در فرهنگ روسی است.

۲. نمادگرایی هشداردهنده: حضور گرگ^۴ و برخی موجودات خیالی ترسناک مانند بوکا^۵ در متن لالایی‌ها، هشدار را به مخاطب منتقل می‌کند و کودک را از خطرات احتمالی بیرون از خانه آگاه می‌سازد. بوکا نام روح شیطانی شبانه‌ای با دهان بزرگ و زبانی دراز است که برای ترساندن کودکان به کار می‌رود. در لالایی‌های اول و دوم از نمادهای ایمن و در لالایی‌های سوم و چهارم از نمادهای هشداردهنده استفاده شده است:

1) А баю, баю, баю, / Тебе песенку спою / Я про серого кота; / Как у серого кота / Колыбелька золотá, / Позолоченная. / В ней постелька постлана: / Перинушка пуховá, / Подушечка положена в головá, / А я, бабушка стара, / Ночевать кота звала: / — Приди, котик, ночевать, / Мово Ванюшку катать. / Уж ты, сон да дремá, / Приди к Ване в головá! / Спи, усни, закрывши глазки, / Баюшки, баю!

[لالا لالا لالایی! / برایت آهنگ می‌خوانم / دربارهٔ گربه خاکستری برایت می‌خوانم. / روزی یک گربه خاکستری / گهواره‌ای طلایی داشت / گهواره‌ای طلاکاری شده. / یک رخت‌خواب در آن گهواره بود.]

1. кот
2. гули
3. собака
4. волк
5. бука

/ رخت‌خوابی از پر و رخت‌خوابی از پشم! / یک بالش برای سر هم روی آن بود! / اما من، مادرزگی
 پیر هستم، / شبی گربه را صدا زدم و گفتم که بیاید و شب را پیش من اطراق کند! / -بیا گربه، شب
 را پیش من بمان! / گفتم که وانوشکا را تاب بدهد! / تو ای خواب و تو ای چرت / بیا و چشم و انیا را
 پُر کن! / بخواب، با چشمان بسته بخواب! / لالا لالا لالایی!

دانیل چاندلر در فصل «بینامتنیت و اساطیر»^۱ به نقش لالایی‌ها در بازتاب اسطوره‌ها و باورهای
 مردمی به عنوان متونی فرهنگی و بخشی از شبکه‌ای گسترده از بینامتنیت اشاره می‌کند و تأکید
 می‌ورزد که در لالایی‌ها: «عناصر زبانی، مفاهیم و مضامین میان فرهنگ‌ها معاوضه می‌شوند. لالایی‌ها
 قادرند ناقل اسطوره‌ها و باورهایی باشند که از طریق بازنمایی‌های تکراری در سنت‌ها و جوامع بازتولید
 می‌گردند. این ارتباطات بینامتنی می‌تواند نحوه شکل‌گیری هویت فرهنگی و انعکاس آن در مواجهه با
 تحولات تاریخی را آشکار سازد» (چاندلر، ۲۰۰۷: ۱۱۳-۱۱۵). در لالایی زیر نیز از نماد کبوتر به عنوان
 عنصری آرامبخش و تغذیه‌کننده کودک استفاده شده است:

2) Люлю, люлю, люленьки, / Налетали гуленьки, / Прямо Шуре в люленьку,
 / Сели гули на края, / Уронили перышка, / Прямо Шуре в люленьку.

[برگردان: لای لای لای لای لای لای! کبوترهای کوچک پرواز کردند، / و آمدند درست روی گهواره
 شورا^۲ نشستند / کبوترها روی لبه گهواره نشستند، / و پرهایش را انداختند / درست در گهواره شورا.]

Стали гули гулевать, / Стала Шура засыпать, / Бай, бай, бай, / Спи-ка,
 Шуренька, поспи, / Ручки белые прижми, / Глазки, милая, сожми, / Бай, бай,
 бай.

[کبوترها شروع به بقی‌بقو کردند / شورا شروع به خوابیدن کرد / لالا لالایی! / بخواب، شورنکا، بخواب،
 دست‌های سفیدت را فشار بده، / چشمهایت را ببند و بر هم بفشار عزیزم / لالا کن لالایی!]

Стали гули гулевать, / Стали гули ворковать, / Чем нам Шуреньку питать? /
 Сахарком ли, медком, / Или кашкой с молочком? / Она сахару не ест, / Меда
 в рот не берет, / Бай, бай, бай.

[کبوترها شروع به بقی‌بقو کردند / کبوترها گفتند: / چه چیزی بدهیم به شورنکا بخورد؟ / شکر یا عسل?
 / یا فرنی با شیر؟ / او قند نمی‌خورد / عسل را به دهانش نمی‌برد، / لالایی لالایی!]

Уж мы съездим во торжок, / Купим Шуреньке горшок, / Крупки маленький
 мешок, / Будем печку топить, / Будем кашку варить, / Будем Шуреньку
 кормить, / Лю-лю-лю, лю-лю-лю-люлю, / Лю-лю-люленьки, лю-лю, / Баю-
 баюшки, баю.

[ما به تارژوک^۱ می‌رویم، / که برای شورنکا یک ظرف سفالی غذا بخریم، / و کیسه کوچکی از غلات و گندم. / اجاق گاز را روشن خواهیم کرد. / فرنی خواهیم پخت. / ما به شورنکا غذا می‌دهیم، / لالا لالا، لالا لالا / لالا لالا، لالا لالا / لالایی! لالایی!]

در دو لالایی زیر از «گرگ» و موجودی افسانه‌ای به نام «بوکا» استفاده شده که از نمادهای هشداردهنده برای کودک می‌باشند:

3) А баю, баю, баю, / Не ложися на краю: / Придет серенький волчок / И ухватит за бочок, / И утащит во лесок. / А там бабушка живет / И калачики пекет, / Ребятишкам раздает, / А девчонкам не дает.

[لالا لالا لالایی! / آن کناره‌ها خواب! / چون گرگ کوچک خاکستری خواهد آمد. / و از پهلوی تو را به دندان می‌گیرد! / و با خودش به جنگل خواهد برد! / مادر بزرگ در آن‌جا زندگی می‌کند / و دونات درست می‌کند / و آن‌ها را به بچه‌ها می‌دهد، / اما دونات‌ها را به دختر بچه‌ها نمی‌دهد.]

4) Бай, да побай, ты живи, не умирай, / Ты живи не умирай, отца мать не покидай, / Баю-бай, люли-лю / Если мамушку покинешь, / Голова твоя погибнет, / Баю-бай, люли-лю.

[لالایی، لالایی / لالایی لالایی! تو زندگی می‌کنی، نمیری، / زندگی کن نمیر! پدر و مادرت را رها نکن / لالایی لالایی! / اگر مامان را ترک کنی، / سرت را بر باد می‌دهی. / لالایی لالایی!]

Поспи теплая свеча, до заката не печаль, / До заката, до зари, не разбудим никогда, / Баю-бай, люли-лю / Мы не будем, не приложим, / С Богом спанюшкать положим, / Баю-бай, люли-лю.

[ای شمع گرم من! بخواب تا خود غروب، ناراحت نباش. / تا غروب آفتاب و تا قبل از طلوع، بیدارت نخواهیم کرد! / لالا لالایی! / بیدارت نخواهیم کرد، نمی‌گذاریم. / با یاد خدا می‌گذاریم بخوابی. / لالایی لالایی!]

Повалим ребенка спать, да на тесовую кровать, / А на мягконьку, пухову на подушечку, / Баю-бай, люли-лю / Бай, да побай, поди бука на сарай, / Поди бука на сарай, мою детку не пугай, / Баю-бай, люли-лю.

[کودک را زمین می‌گذاریم و روی تخت چوبی می‌خوابانیم. / روی یک بالش نرم و پرزدار! / لالا لالا! / لالا لالایی! بوکا برو به انباری! / برو به انباری، بچه من را ترسان! / لالا لالایی!]

Если детеньку пугаешь / Сто рублей деньги отдашь, / Баю-бай, люли-лю / Сто рублей никак не денежки, пятьсот – не живот, / Пятьсот – не живот, моя детонька живет, / Баю-бай, люли-лю.

[اگر دختر عزیزم را بترسانی، / باید صد روبل به من بدهی! / لالا لالایی! / صد روبل که پولی نیست،
با پانصد روبل هم که شکم سیر نمی‌شود. / با پانصد روبل هم شکم سیر نمی‌شود؛ اما لااقل بچه‌ام
زنده می‌ماند. / لالا لالایی!]

Бай, да побай, поди бука на сарай, / На сарае – кирпичи, буке некуда лечти,
/ Баю-бай, люли-лю / Баю, да побаю, тебя рощу-подымаю, / Тебя рощу-
подымаю, много время занимаю, / Баю-бай, люли-лю.

[لالا لالایی! بوکا برو به انباری! / در انبار آجر هست، و بوکا جایی برای خوابیدن ندارد! / لالا لالایی! /
تو را بلند می‌کنم ای بیشه! / من تو را بزرگ می‌کنم، وقت زیادی می‌گذارم، / لالایی می‌خوانم، لالا!]

Все просижены денечки, / Само лучше времечко, / Баю-бай, люли-лю / Все
просижены денёчки, не прядутся простеночки, / Не прядутся простеночки,
не мотаются моточки, / Баю-бай, люли-лю.

[تمام روزها سپری شده است، / بهترین زمان است / لالا لالایی! / همه روزها تمام می‌شوند،
بافتنی‌های ساده و کوچک بافته نمی‌شوند، / بافتنی‌های ساده و کوچک بافته نمی‌شوند، کلاف‌های
کاموا باز نمی‌شوند! / لالا لالایی!]

Ты моя сугревушка, / Паренек да девушка, / Баю-бай, люли-лю / Уродилась
девушка, будет белошвеюшка, / Будет белошвеюшка, прялки попрядеюшка,
/ Баю-бай, люли-лю.

[تو گرمای قلبی‌ام! / پسر و دختر منی! / لالا کن، لالا! / دختری به دنیا آمد، و خیاط خواهد شد!
یک خیاط، و یک چرخ نخریسی. / لالا، لالایی.]

Уродился паренек, / В чистом поле пахарек, / Баю-бай, люли-лю / Будет
пашенку пахать, огородку городить, / Огородку городить, на озерушках
ловить. / Баю-бай, люли-лю.

[پسری به دنیا آمد، / و دشت پاک را شخم خواهد زد. / لالا لالایی! / او زمین‌های زراعی را شخم
خواهد زد و باغ را حصار می‌کشد. / باغ را حصار می‌کشد و از دریاچه‌های کوچک ماهی می‌گیرد. / لالا
لالایی!]

Он и рыбки наловит, / Всех соседей накормит, / Баю-бай, люли-лю / Бай да
побай, дитя мило засыпай, / Свои глазки закрывай и скорее засыпай, / Баю-
бай, люли-лю.

[او هم ماهی می‌گیرد، / و هم به همه همسایه‌ها غذا می‌دهد. / لالا لالایی! / لالا کن کودکِ عزیزم،
بخواب! / چشمتو ببند و زودتر بخواب! / لالا لالایی]



شکل ۲- بوکا، موجود افسانه‌ای ترسناک

موجودات افسانه‌ای در لالایی‌های کُردی نیز حضور دارند. این موجودات وهمی و افسانه‌ای در لالایی‌هایی که برای آرامش کودکان سروده شده‌اند، مشاهده می‌شوند. مادران بدون توجه به عواقب آن، مدام از این موجودات وهمی و حتی ترسناک برای خواباندن کودکانشان در لالایی‌ها بهره می‌برند: نه‌لّی له مالمّی نیمه دوور که‌وێ / پیاوخۆره زله، پیاوخۆره زله.

Elê le mâlê eme dur kewê / piyâwxore zile, piyâwxore zile

[برگردان: از خانه ما دور شو ای آدم خوار گنده!]

وه دوور که‌وه تا نه‌یانداوێته به‌ر گولله / که‌متیاری سمپان، که‌متیاری سمپان.

We dur kewê tâ neyândâwête bar gwelula / Kemtiyârê simpân, kemtiyârê simpân

[دور شو تا به رگبار گلوله‌ات نبسته‌اند، ای گفتار سم‌پهن!]

«کمتیاری سمپان» و «پیاوخوره زله» موجوداتی موهوم و افسانه‌ای هستند که از زمان‌های بسیار دور در باور مردم کُرد وجود داشته‌اند. طبق باور عوام، این موجودات تنومند و اندامی درشت دارند و انسان را اذیت و آزار می‌دهند (مشتاق مهر و فیضی، ۱۳۹۹: ۱۰۷).

نمونه‌ای دیگر از کاربرد موجودات ترسناک در لالایی‌های کُردی، استفاده از واژگانی همچون «لولو» و «گرگه‌گه» است. به گفته همتی و نظری: «"لولو و گرگه‌گه" دو موجود عجیب و ترسناکند که مادر کُرد برای آرام کردن فرزندش از آن‌ها استفاده می‌کند» (همتی و نظری، ۲۰۲۴: ۷۵). آن‌ها همچنین اذعان دارند که مادر از گرگ می‌خواهد که به دلیل خوابیدن بچه، از آنجا دور شود و او را نترساند:

گورگه‌گه گورگانه وه‌شو / کوپم خه‌فته‌یه بچوو وه‌شو

Gurga ga gurgâna wa şû / kuram xaftaya biçu wa şû

[برگردان: ای گرگ از اینجا برو / پسرم خوابیده است]

جالب آن که رضا موزونی، عبارتِ صورتِ تنها و مستقل «لاوه» را که اغلب به شکل دوگانه «لاوه» در آغاز لالایی‌های کردی به کار می‌رود، با مفهوم «دور شو» مطابقت می‌دهد. او معتقد است که محیط زندگی عشایری در گذشته، به دلیل حضور جانوران و شرایط پر از صدا، باعث ترس کودکان می‌شده است و مادران کُرد با گفتن «لاوه لاوه» به معنای «دور شو دور شو» به کودکان خود اطمینان می‌داده‌اند که با این صدا جانوران را از آن‌ها دور می‌کنند و با لرزش پا نیز حضور خود را به کودک نشان می‌داده‌اند (موزونی، ۱۳۹۷: ۱۹۱).

علاوه بر این، در میان لالایی‌های کُردی، نمونه دیگری نیز وجود دارد که زمانی خوانده می‌شود که مادر پس از تلاش فراوان برای خواباندن کودک و خستگی زیاد، به دلیل نیاز به استراحت برای تجدید قوا جهت انجام امور روزانه، ناچار می‌شود کودک را تهدید کند که اگر زودتر نخوابد، گرگ‌ها او را خواهند خورد. این تهدید بازتاب‌دهنده فضای معیشتی زندگی عشایری است که به دلیل وجود سیاه‌چادر، محیطی ناامن به شمار می‌رفته است (موزونی، ۱۳۹۷: ۲۲۲):

گورگه شهو، گورگانه شهو / وه مآل کورم دیورانه شهو / گورگه بچو «بز» بخوه / کورم بیل را بانانه شهو.

Gurga şaw, gurgâna şaw / wa mâl kurrim dûrana şaw / Gurga beçu "bezen" bxwa / kurrim bîl râ bânâne şaw

[برگردان: شب گرگ‌ها است / این گرگ از خانه پسر دور باشد / ای گرگ، برو و «بز» را بخور / پسر را برای شب‌های آینده نگه دار!]

گاه نیز به جای «بز»، نام بچه همسایه یا کودک دیگری آورده می‌شده است.

۵- نتیجه

همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، مطابق نظریه بازتاب فرهنگی، لالایی‌ها به عنوان متونی فرهنگی، نقش مهمی در انتقال ارزش‌ها و باورهای اجتماعی ایفا می‌کنند. متون فرهنگی، بازتاب‌دهنده موقعیت‌های تاریخی و اجتماعی بوده و ابزاری برای حفظ هویت جمعی به شمار می‌روند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که لالایی‌ها، به عنوان یکی از قدیمی‌ترین اشکال ادبیات شفاهی، دارای لایه‌های عمیق نمادین و فرهنگی هستند. تحلیل نمادگرایی در لالایی‌ها نشان می‌دهد که این اشعار نه تنها به عنوان ابزاری برای آرامش و خواباندن کودکان استفاده می‌شوند، بلکه بازتاب‌دهنده باورها، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی جامعه‌ای هستند که در آن شکل گرفته‌اند.

تحلیل محتوای لالایی‌ها، تغییرات فرهنگی و اجتماعی در طول زمان را نمایان می‌سازد و به درک بهتر تاریخیچه و تحولات جوامع مختلف کمک می‌کند؛ بنابراین، لالایی‌ها با وجود تفاوت‌های ظاهری که ناشی

از ساختار زبانی و حوادث تاریخی جوامع گوناگون است، دارای اشتراکات معنایی و ساختاری بسیاری هستند که می‌توان آن‌ها را نتیجهٔ نیازهای مشترک انسانی و نقش مشابه لالایی‌ها در جوامع مختلف دانست.

مقایسهٔ تطبیقی لالایی‌های مختلف، هرچند تفاوت‌های ظاهری میان این اشعار در زبان‌های گوناگون را نشان می‌دهد، در باطن بازتاب‌دهندهٔ اشتراکات فراوانی است که بیانگر نیازهای مشترک انسانی نیز می‌باشد. این اشتراکات شامل موضوعاتی چون عشق مادرانه، آرزوهای بهترین‌ها برای کودک و استفاده از نمادهای طبیعی است. همچنین، ساختارهای ادبی مشابه مانند تکرار و قافیه نیز در بسیاری از لالایی‌ها دیده می‌شود که نشان‌دهندهٔ نقش جهانی لالایی‌ها در تربیت و آرامش کودکان است. لالایی‌ها، که اشعاری ساده و در عین حال پرمحتوا به‌شمار می‌روند، به مدد نمادها و تصاویر فرهنگی، امکان انتقال ارزش‌ها و باورهای جامعه به کودکان را فراهم می‌کنند.

پژوهش حاضر نشان می‌دهد که لالایی‌ها می‌توانند به عنوان منبعی غنی برای مطالعات بین‌رشته‌ای در حوزه‌هایی مانند ادبیات، مردم‌شناسی، روانشناسی و جامعه‌شناسی مورد استفاده قرار گیرند. برای نمونه، نمادهای طبیعی مانند ماه و ستارگان می‌توانند بیانگر ارتباط عمیق انسان با طبیعت و اهمیت آن در فرهنگ‌های مختلف باشند.

منابع

- افراسیاب‌پور، علی‌اکبر و حسین آریان (۱۴۰۲). «تطبیق ساختار روایی ترانه‌های مادرانهٔ فارسی و فرانسوی»، هنر و ادبیات تطبیقی، ش. ۱، صص. ۶۷-۸۳.
- پارسا، احمد و شهربانو حسین‌پناهی (۱۴۰۲). «تحلیل و بررسی لالایی‌های بیداری»، فرهنگ و ادبیات عامه، ش. ۴۹، صص. ۳۶-۵.
- پیرک، سکینه (۱۴۰۲). «بررسی و تحلیل مضامین (موتیف‌ها) در لالایی‌های آذری»، فرهنگ و ادبیات عامه، ش. ۵۳، صص. ۲۲۷-۱۹۱.
- جهانفرد، سجاد (۱۳۹۶). *لاوه‌لاوه‌ی دالگه‌یل کورد: تاییه‌تی ناوچه‌یل کرمانشان، ئیلام، خانه‌قین و بیجار، کرمانشاه: دیپاچه*.
- زارع شاهمرسی، پ. (۱۳۸۸). *فرهنگ دوسویه شاهمرسی، تبریز: اختر*.
- عنایت، حلیمه؛ مریم حسینی و جواد عسکری چاوردی (۱۳۹۰). «لالایی‌ها، رسانه‌ای زنانه یا ملودی خواب‌آور کودکان؟ (تحلیلی جامعه‌شناختی از لالایی‌های منطقه لامرد فارس)»، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۳، ش. ۲، صص. ۷۶-۵۷.
- مشتاق‌مهر، رحمان و آمنه فیضی (۱۳۹۹). «سیمای جامعهٔ کرد در لالایی‌های کردی»، ادبیات و زبان‌های محلی/ایران زمین، ش. ۲۷، صص. ۸۹-۱۰۸.
- موزونی، رضا (۱۳۹۷). *ترانه‌های سرزمین مادری، چاپ سوم، کرمانشاه: دیپاچه*.

ولی‌زاده، آذر (۱۳۸۶). «ادبیات فولکلور در قالب آوازه‌های کردی با تأکید بر گویش کردی جنوبی»، مجله زرپیار، ش. ۶۴ صص. ۱۳۸-۱۳۱.

Chandler, Daniel. (2007). *Semiotics for Beginners*. Routledge.

Eco, Umberto. (1976). *A Theory of Semiotics*. Indiana University Press.

Eco, Umberto. (1984). *Semiotics and the Philosophy of Language*. Indiana University Press.

Ilyina, L. E., Golovina, E. V., & Sumtsova, T. Y. (2020). "Semantic Codes of Folklore and Modern Folklore Texts. in A. Pavlova (ed.)", *Philological Readings*, vol 83. European Proceedings of Social and Behavioural Sciences (pp. 456-462). European Publisher. <https://doi.org/10.15405/epsbs.2020.04.02.51>.

Hemati Nahid, Nazari Saeed. (2014). "Lullaby in Kallhor's Culture, International Letters of Social and Humanistic Sciences", Switzerland: SciPress Ltd., Vol. 21, pp 69-77 Online: doi:10.18052/www.scipress.com/ILSHS.21.69.

Аникин В.П. (1957). *Русские народные пословицы, поговорки, загадки и детский фольклор: пособие для учителя*. М.: Учпедгиз РСФСР, 240 с.

Белодедова М.Г. (2023). "Сбираешь, что придёт в голову: связанные мотивы в колыбельных Русского Севера", *Вестник РГГУ*, № 6, 2023, сс. 51-63.

Ермакова, А.А., Прокофьева, Л.П. (2020). "Синтетические ассоциации в немецких и русских детских колыбельных", *Известия Южного федерального университета. Филологические науки*, № 2, СС. 131-141 с.

Ерхонина Д.Н., Николаева Е.В. (2022). "Основные фонетические особенности английских, русских и татарских колыбельных песен", *Вестник ЧПТУ им. И.Я. Яковлева*, № 3(116), сс. 96-102.

Мартинова А.Н. (1974). "Опыт классификации русских колыбельных песен", *Советская этнография*, № 4, СС. 101-115.

Мельников М.Н. (1987). *Русский Детский Фольклор*, М.: Просвещение, 239 с.